

## رفع ابهام از دو واژه در نسخه سغدی «بهشت روشنایی یا اقلیم روشنایی»\*

بدرالزمان قریب، ترجمه ابوالحسن تهامی

بر پایه آموزه مانوی، در آغاز، پیش از آنکه جهان مادی به مرحله وجود رسد دو اصل برقرار بود: روشنایی و تاریکی (نیکی و پلیدی، روان و ماده). این دو اصل هر دو قدرتی یکسان داشتند و کاملاً مخالف هم بودند.

هدف این مقاله آن است که، با سنجش چهار نسخه مانوی «اقلیم روشنایی»، از دو واژه نادری که یک بار ذکر شده و معنایی مشکوک دارند تعبیری تازه ارائه کند.

نسخه سغدی مورد بحث را هنینگ رمزگشایی، ترجمه و حرف‌نویسی کرد و با توضیحات درباره دست‌نوشته‌ای سغدی در چگونگی کیهان‌زایی مانوی (HENNING 1948) به چاپ رساند. نسخه پارتی را که توصیفی مختصر دارد می‌توان در «مجموعه سرود مانوی به پارتی»، ویراسته خانم مری بویس (BOYCE 1958, pp. 66-80, 93) یافت که زوندرمان (SUNDERMANN 1990) بر آن یادداشت‌هایی افزوده است. در درس‌نامه خانم بویس (BOYCE 1975, pp. 91-96)، دو نسخه دیگر آمده است: «سرود پارتی برای پدر بزرگی» و «دوازده شهریاری» (Ibid, pp. 132-135). نسخه چینی را تسوی چی در «تومار سرود نیایشی چینی» به انگلیسی

\* B. GHARIB, "New Light on Two Words in the Sogdian Version of the 'Light Paradise or the Realm of Light'", in *Studia Manichaica*, IV, Internationale Kongress zum Manichäismus, Berlin, 14-18 July 1997; Akademie Verlag, Berlin 2000, ed. R.E. EMMERICK, W. SUNDERMANN, P. ZIEME.

ترجمه کرده که توصیفی از بهشت در آن است (Tsuī Chi 1943)<sup>۱</sup> و ویلی (Boyce 1954, 68ff) یادداشتها و اصلاحات بیشتری بر آن نوشته است.

نسخهٔ قبطی را آلبری (Allberry 1938) در زیور مانوی، و در بخشهای زیر به انگلیسی ترجمه کرده است:

Bema psalm I, 1. 10-121, P. 9, I. 12-15, 60, I. 18, Jesus psalm 85. 18; Thomas psalm 136, I. 14-50 and psalm 203; Heracleides psalm 193, 198-9; Sarakoton psalm 136, I. 29-33.

نسخهٔ عربی و غیرمانوی ابن‌التدیم در الفهرست، با منابع اصیل مانوی شباهتهای بسیار دارد، به‌ویژه در توصیف سرزمین روشنایی.

هم‌سنجی نسخهٔ سغدی «اقلیم روشنایی» با نسخه‌های دیگر، آشکار می‌کند که نسخهٔ بلندتر چینی و سرودهای نیایشی کوتاه‌تر پارتی و قبطی، می‌توانند به درک معنای واژه‌های مشکوک در نسخهٔ سغدی<sup>۲</sup> یاری رسانند.

فرمانروای اقلیم روشنایی (rwxšn' γrdm'n = بهشت روشنایی به سغدی)<sup>۳</sup> شهریار روشنایی یا پدر بزرگی بود (به سغدی zrw'βγγγ)، و گرداگرد این اقلیم دوازده بی‌کرانگی (12 Aeons) یا دوازده شهریاری قرار داشت (به پارتی dwādes šahrdārīft، معادل سغدی آن معلوم نیست)، و شهریارهای (Arons) بی‌شمار دیگر (در نسخهٔ سغدی: جایگاه ستوده frytyt 'wt'kt و در نسخهٔ چینی: کشورهای ستوده). در این جایگاههای ستوده، فرشتگان (fryštyt)، گوهران (mrδ'spndt)، زورآوران (z'wrkynd) و بغان (βγγšt) به شادمانی تمام می‌زیستند.

اقلیم روشنایی را به حسب هوای زنده‌اش (در متن سغدی 'wswyc bry و در منابع غربی aēr ingenitus) و زمین روشنش (rwxšn' z'y در متن سغدی و terra ingenita در

(۱) ص ۱۸۷، سطرهای ۱۲۲ تا ۱۲۵ و ص ۱۹۹، سطرهای ۲۶۵ تا ۳۳۶

(۲) این بررسی، بخش اول متن سغدی را در بر می‌گیرد که پنج بزرگی را توصیف می‌کند.

(۳) در متن سغدی دیگری، بهشت stny wštm'xy نامیده می‌شود که به معنی «بهشت جاوید» است (Boyce 1954, p.15, n.4). wštm'xy شکل غیرفاعلی wštm'xw است، که اوستائی آن می‌شود: .vahištəm ahūm.

در متنهای پارسی میانه و پارتی سرزمین روشنایی rwxšn whyšt'w یا whyšt rwxšn. در متنهای ایرانی عموماً «بهشت روشنایی» به کار رفته است. در متنهای چینی «جهان روشنایی» و یا «روشن جهان بالا». سرود نیایش 264-336، در متنهای قبطی «پادشاهی روشنایی» در متنهای ترکی «اقلیم روشنایی» (Gnosis 340). الفهرست، مانند متن ایرانی، واژهٔ جنان ganān را به کار می‌گیرد.

منابع غربی) نیز توصیف می‌کنند.<sup>۴</sup>

پس در اقلیم روشنایی پنج بزرگی (pnc mzyxy' in sogdian, HENNING 1948, p. 307, [41-2]) موجود است: (۱) پدر بزرگی، (۲) دوازده شهریاری، (۳) شهریارهای بی‌شمار، (۴) هوای زنده، و (۵) زمین روشن.<sup>۵</sup>

در نسخه سغدی، دومین بزرگی موجود نیست و از نخستین بزرگی هم فقط با نام ژروان و عنوانش شاه بزرگ یا mzyx 'xšywnyy یاد شده است. این شاه، در نسخه‌های دیگر، عنوانهای بسیار دارد؛ در سرودهای نیایشی پارتی آفرین بزرگان (Āfrīwan wuzurgān) (Boyce 1975, p. 91). او با این عنوانها ستوده شده است: پدر، زنده، جاوید، آغاز، بلندترین، شهریار روشنی، پدر همه نیروهای روشنی pydr jywndg hsyng<sup>۶</sup> (Ibid, pp. 92-96). این عنوانها و بسیاری دیگر القاب که در نسخه‌های پارتی است با عناوین موجود در مزامیر قبطی و تومار سرود نیایشی چینی هم‌خوانی دارند؛ در قبطی: پدر بزرگی، پدر روشنایی، پدر همه خدایان و فرشتگان، جاوید، شکوهمند – و در سرود نیایشی چینی 174: شهریار روشنایی بی‌ظنیر، خدایگان ستایش‌پذیر روشنایی (165)، پدر زنده – جاودان (223).

نام دومین بزرگی، در فهرست کاملی که از دوازده شهریاری به پارتی در دست است دیده می‌شود (Boyce 1975, p. 132). در قطعه سغدی TM389b = 18221 (متن 3.5 در SUNDERMANN 1981, p. 50-53) نیز تقریباً فهرست کامل آنها وجود دارد که می‌تواند بخش ناقص نسخه سغدی بهشت روشنایی را تکمیل کند. در متن چینی شاون-پلیو (CHAVANNES-Pelliot 1911, pp. 569-571) این فهرست با جزئی تفاوت آمده است. در تومار سرود نیایشی چینی، 165-167، فهرستی آورده شده، که ممکن است همان فهرست دوازده شهریاری

(۴) rōxšna zāy معادل است با zamig rōšn در ایرانی میانه غربی. واژه‌های هوا و زمین در نسخه سغدی از لحاظ جنسیت مادینه‌اند. rōxšnā و ōsuxč پایانه مؤنث دارند. از آنجا که در دیگر متنها، بی‌کرانه‌ها Aeons، پسران پدر بزرگی به شمار می‌آیند. پس باید تصور کرد که در این متن هوا و زمین دختران اویند.

(۵) در متن سغدی، شمارگان ترتیبی از سوم آغاز می‌شوند: 'štyk (سوم) برای جایگاههای ستوده، که به دنبال آن cīf'rmyk (چهارم) برای هوای پاکیزه و pncmyk (پنجم) برای روشن‌زمین می‌آید. در سرود نیایشی چینی 122 به عنوان «آن پنج نوع بزرگی بسیار گشاده‌دست» 'the broad generous five kinds of Greatness' اشاره می‌شود.

6) nxwyn, 'brdr, rwxšn q'w ... pyd cy hrwyn z'wr'n rwxšn'n (Boyce 1975, text af. 1 = M40R).

باشد.<sup>۷</sup> و نیز در همان تومار - شماره 122 - به «دوازده پادشاه جاودان پایدار گران پرتو» (The 12 eternal abiding kings of precious radiance) اشاره می‌شود.

سومین بزرگی، شهریارهای بی‌شمار (به سغدی جایگاههای ستوده)<sup>۸</sup>، در همه نسخه‌ها جایگاههایی شاد و جاوید و بی‌شمارند. در سرود نیایشی چینی، شماره 122 و 270، از این سومین بزرگی با نام جهانهای بی‌شمار و کشورهای بسیار یاد می‌شود.

چهارمین بزرگی به سغدی «هوای زنده» یا «هوای پاکیزه» است، که شگفت (wyδ'snyg)، زیبا برای نگرستن (qršn'w wyn'mndyh) و با نیکیهای بیرون از اندازه است (kyy 'tyšn wnyy šyr'kyy ptm'k nyyst) و در سرود نیایشی چینی (شماره 123) ' هوای خوش‌بوی شگفت‌یگانه آمده است. این هوای زنده با قدرت فراطبیعی (pr wrcxwndqy') برای خدایان جامه‌های خیره‌کننده<sup>۱۰</sup>، اورنگ و دیهیم، گل تاجهای عطرآگین<sup>۱۱</sup>، زیور و همه‌گونه آرایه‌های ظریف خلق می‌کنند.

(r'ty βryštyy krij'wr ptmwk 'ty n'wδn γ'δwq δyδym ty βwδ'nc 'ps'k 'ty wyspzn'g'n zywr 'ty py'tyy xwtyy sfryn't')

من برای این بخش تصحیح تازه‌ای پیشنهاد می‌کنم: I. 17 «جامه‌های خیره‌کننده خدایان، اورنگ، دیهیم، و گل تاج عطرآگین، زیورها و آرایه‌های ظریف از هرگونه». هنینگ عبارت xwtyy sfryn't را به این شکل ترجمه کرده است: «خود خواهد آفرید». او در این ترجمه واژه sfryn't را سوم شخص مفرد التزامی دانسته است. من xwtyy-sfryn't

(۷) ← یادداشتهایی دیگر در مورد بی‌کرانگان و جدول شش‌زبانه (ردیف ۱).

(۸) ← یادداشتهایی دیگر در مورد بی‌کرانگی

(۹) و نیز در سرود نیایشی چینی 316: موفر و درست، در اندام و شکل، با حشمت و کلان از بیرون و درون، به راستی فراتر از توصیف.

(۱۰) استعاره جامه‌های پوشیدنی (به سغدی patmök-niyōdan) دارای معادلی است در سریانی: «سرود نیایشی مروارید». بسنجید با سرود نیایشی پارتی هویذگمان, Huyadagmān I 18-22: «جامه‌ها که با دست ساخته نشوند و همواره پاکیزه و رخشان‌اند، و هیچ مور در آنها نباشد» را، با سرود نیایشی چینی 274-280 - «تمام جامه‌های نامداری که بَرکنند شادی آور است، نه ساخته دست، نو و پاکیزه - بدون هیچ کرمی در آنها...».

(۱۱) سرود نیایشی چینی 282-283: «تاجها که زیور گوه‌ران آویختنی دارند جاودانه فنا ناپذیرند...» گل تاجها نه هرگز پژمرند و نه هرگز افتند». بسنجید با پارتی: «گل تاجهای سبزشان هرگز نپژمرد که به درخشندگی تنیده‌اند در رنگهای بی‌شمار» هویذگمان (Huyadagmān, 1.22) در سغدی βwδ'nōc pš'k به معنی «گل تاجهای عطرآگین»، با pwsq zrwn «گل تاجهای زرین» و y'wyd'n ny wmysyyd که هر دو به پارتی‌اند، هم‌خوانی دارد با «هرگز تپاه نشود» چینی. ← ترجمه هنینگ در (Boyce 1954, p. 69, n. 4).

را به مثابهٔ دو واژهٔ ترکیب شده در نظر می‌آورم که *sfrīnāt* در آن صفت مفعولی است، و ترکیب، مجموعاً «خود-آفریده» معنا می‌دهد. اینک این ترکیب را با ترکیبهای مشابه سغدی می‌سنجیم.

*xwtyy prnxwntk* «خود-فرخنده»، *xwty xw(y)št'k* «خود-خواسته» = «دوست»،

*xwtyy xwtq'r* «تنها، با خود».

در مثال نخست، صفت *franxunde* بخش دوم ترکیب را تشکیل داده است. در مثال دوم، صفت مفعولی *xwešte* «خواسته» و در مثال سوم صفت *xwtq'r* شامل ضمیر *xwt* و اسم *kār* «خویشاوند» که با واژهٔ پارسی باستان *kāra* به معنای «سپاه و مردم» پیوند دارد (تس با ترکیب فارسی کس و کار). در زبان سغدی ترکیبهای دیگری هم با ضمیروارهٔ *xwt* دیده می‌شود، مانند *xwtz't* «خودزاد»، *xwtk'm'k* «خودکامه»، *xwt ryz'k* «خودرای».

صفت *xuti-sfrīnāt* «خودآفریده»، احتمالاً ویژگی ساز و برگِ خدایان، شامل جامه و پوشیدنیها، زیورها، دیهیم و گل تاج عطرآگین را می‌رساند که همگی «جاوید و فسادناپذیر» اند (آن‌گونه که در سرود نیایشی چینی 282 آمده است) و ناپژمردنی و بی‌خران (سرود 283) و جاودانی، و به روایت متون پارتی *yawēdān nē wimēsēd* «جاودانه نپژمرد». این ویژگیها، برداشت مرا از دو واژهٔ سغدی به معنای «خودآفریده» تأیید می‌کنند.

توجه دیگری که در تأیید این پیشنهاد وجود دارد، سبک و سیاق متن سغدی است. تمامی افعال به زمان حالِ وجه اخباری‌اند. در واقع، در بهشت روشنائی، که در آن متن توصیف می‌شود، کنش خلقت هنوز آغاز نشده است؛ و منابع دیگر ما را آگاه کرده‌اند که، به رغم اقلیم تاریکی که در آن همه چیز بی‌نظم و آشفته است، در اقلیم روشنائی، همه چیز در وضع نظم و آرامش و سکون قرار دارد. همه چیز جاویدان بوده و خواهد بود. این جاودانگی ازلی است و آن را آغازی نیست. آنجا پیش از آنکه چیزی موجود باشد موجود بوده است. از این رو در زمانهای گذشتهٔ آن کنشی نبوده است و در آینده نیز کنشی نخواهد بود. فعلها همه در زمان حال اخباری‌اند و وجه التزامی در این متن جایی ندارد.

در این صورت فعل *[sfrīn-] sfyrn* به معنای «آفریدن» نمی‌تواند با مفهومی فعال و در وجه التزامی به کار رود و در نتیجه *sfrīnāt* در جایگاه صفت مفعولی مجهول و بخش دوم

یک ترکیب، برای این متن سازگارتر است.<sup>۱۲</sup>

پنجمین بزرگی، «زمین روشن»<sup>۱۳</sup> که خود-موجود، جاویدان<sup>۱۴</sup> و معجزه آسا<sup>۱۵</sup> است، در بلندایی دور از دسترس\* (؟) و ژرفایش ناپنداشتنی<sup>۱۶</sup> است. هیچ دشمن و هیچ آسیب‌رسان گام نمی‌زند بر این زمین<sup>۱۷</sup>. برگذرهاهاها خدا یوارش فرشی از گوهر الماس گسترده‌اند که هرگز نخواهد لغزید<sup>۱۸</sup>. همهٔ نیکبها از آن زاده می‌شود<sup>۱۹</sup>. تپه‌های آراستهٔ باشکوه<sup>۲۰</sup> سراسر پوشیده از گلهایی که در نهایت زیبایی رویده‌اند<sup>۲۱</sup>، درختان سبز بارور که میوه‌هایشان نه هرگز

(۱۲) پرفسور زوندرمان در یادداشتی مهرآمیز به من نوشت: «توضیح شما در مورد *xwty sfryn't* به نظر من موجه می‌آید؛ افزون بر آن، از آنجا که در ترجمهٔ هنینگ آمده است: «آن را، به خوردی خود، به وجود خواهد آورد (خلق خواهد کرد)»، این پرسش را پیش می‌آورد که: چرا خواهد آورد؟ چرا زمان آینده؟ مگر او همیشه بدان سان عمل نکرده است؟ مگر از آغاز کارش آن گونه نبوده است؟ این مشکل با تعبیر شما بر طرف می‌شود که به نظر من از لحاظ دستوری هم امکان‌پذیر است».

(۱۳) *rōxšnā-zāy* به زبان سغدی معادل است با *zamīg rōšn* در پارسی میانه. در پارسی در متن M533 آمده است: «پنج اندیشهٔ پاک» *pnc prm'ng pw'g*. بسنجید با سرود نیایشی چینی 123 «پنج ذهن بیدار» و با الفهرست «آن را پنج اندام است: اثیر، باد، روشنایی، آب و آتش».

(۱۴) واژهٔ سغدی *nōšc* (صفت) «بی‌مرگ». بسنجید با سرود نیایشی چینی 329 «زندگی جاودان است» و با مزمور قبطی 86.21: «سرزمین بی‌مرگان» و با پارسی «آنها بمانند تا جاودان» (Boyce 1954, Huyadagmān 1.7).

(۱۵) واژهٔ سغدی *qrjy'wr* هم خوانی دارد با سرود نیایشی چینی 123 «طبیعتاً ستایش‌پذیر».

(۱۶) جملهٔ سغدی (1.20-21) *'pt βw₁ 'rtyšyy xww n'ywk'wyy* را بسنجید با چینی 265 «هیچ بلندا و بُعدی، حد و اندازه نیاورد» و 323 «مرز و کرانهٔ آن دست‌نیافتنی است» و 295 «آن سرزمین گران‌ارج الماس را کرانی نیست». و با هویدگمان پارسی (Boyce 1954, 1.4, 67) «منیع و نامحدود» و Iso «ژرفای آن زمین را مرزی نیست» و نیز با Iso.

(۱۷) جملهٔ سغدی (1.21-24) *'rtynyy 'qryyh prywyδδ z'y nšpr₁* را بسنجید با چینی 275 «دشمنی نیست که به بخشهای مرزی تجاوز کند» و 295 «آن جهان جاودانه ایمن است و خالی از هراس».

(۱۸) *'rtyh βy'nyq pršprn 'bjyr'ync kyy 'ty 'yqwn ny 'βnwtwy* (1.25-26) این جملهٔ سغدی را بسنجید با چینی 271 «خاک گران‌ارج الماس، درخشان و پرتلألؤ به سوی پایین... که آن را لرزه و تکانی نیست». و 300 «زمین گران‌ارج الماس می‌درخشد و تلألؤ دارد» و سرود نیایشی 278.

(۱۹) این جملهٔ سغدی را (1.27-28) *'rty xw wysp šyrw'yδc cywy δδyh 'jyyt* بسنجید با سرود نیایشی چینی 309 «هرآنچه از آن خاک گران‌ارج برون جهیده است، عقل را و می‌دارد به دیدن و شنیدن و دانستن».

(۲۰) بسنجید این جملهٔ سغدی را *'rty yw pystyy 'xšnkt' yr₂* با سرود نیایشی چینی 303 «کوهستانهای گنجه‌ها به هزاران و هزاران گونه رسد». در مزامیر قبطی «کوهستانهای مقدس با ریشه‌های نیک‌بو»، در پارسی *kōfān nīsāg wyāwarāg ud bagčīhr* (Henning 1950, p. 654) «پژواکین و درخشان کوهستانهای خدا-چهر».

(۲۱) بسنجید این جملهٔ سغدی را (1.29-30) *wysp 'sprymyy rwstyh prw yrβ p'ryzy'* با سرود نیایشی چینی 298 «گللهای ارزشمند پرتوافشان بر یکدیگر که سرخ‌اند و سفید. گرداگرد گلها و باغ سبزیها عطری یگانه و شگفت موج می‌زند».

افتد\* نه هرگز پوسد، و نه کِرمی در آنها نفوذ کند<sup>۲۲</sup>؛ چشمه‌هایی که از آنها شهد انوشگی و بی‌مرگی می‌جوشد و در سراسر بهشت روان است<sup>۲۳</sup>. در آن، باغهایند و دشتها، و کاخها و کوشکهای بیرون از شمار و اورنگها و نشستن‌گاههایی که همواره تا جاودان جاوید در آناند<sup>۲۴</sup>. در مورد واژه «خود- موجود» *xwymnyy* در سطر ۱۹ متن سغدی، هنینگ چنین توضیح می‌دهد (HENNING 1948, p. 309): *\*xwamāne > \*xwamēne > \*xwamanyaka*، ترکیبی که *xwa* به معنی «خود» بخش اول آن است؛ نیمهٔ دوم ممکن است مربوط به واژهٔ اوستائی *mainya* به معنای «مقدر» باشد یا در ارتباط با واژهٔ سغدی *mēn* به معنی «بودن، ماندن، و مقیم شدن» که از واژهٔ پارسی باستان *mānaya* به معنی «ماندن و صبر کردن» مشتق شده است.

این واژه می‌تواند با واژهٔ سغدی *mēn* به معنای «مانستن و شباهت داشتن» در ارتباط باشد، که در این صورت *xwamēne* به معنای «خود، مانا، یا شبیه خود» خواهد بود، و این می‌تواند به دو تعبیر منتهی شود: «فقط شبیه به خود بودن» یعنی یگانه و بی‌همتا بودن، و یا «شبیه به هم». در مورد پیشنهاد دوم به نسخهٔ چینی 334.4 نگاهی می‌افکنیم:

(۲۲) بسنجید جملهٔ سغدی:

'ty wnd' bryy brynyyt zrywnyyt kyy 'tyšn xw bryy kō'c nyy 'wryzt nyy pwst 'ty nyy kyrmnny βwł (l. 30-33).  
را با مزامیر قبطی «درختان پرشکوفه» و با سرود نیایشی چینی 296 «درختان ارزشمند همه مرتب و آراسته‌اند... سرسبز و فراوان... میوه‌های ارزشمند همیشه رویند، و نیلاسند و فساد نپذیرند». و نیز با سرود نیایشی 298-9. و نیز بسنجید با سرود نیایشی پارتی هویذگمان 35-36: «درختان فرو نیفتند... همهٔ میوه‌ها... نه فسادپذیر و میوه‌هایشان نه از بیرون نه از درون، که پر از فروغ است.»

(۲۳) بسنجید جملهٔ سغدی 'ngtte rwxšn 'yrōmn' 'x'xryyt nws'ft'kt kyy 'ty 'mbyrtll w' را با چینی 304 «نهرهای زلال، بی‌وقفه از سرچشمه روان‌اند که مزه‌ای چون شهد واقعی بی‌مرگی دارند... که با آن انبوه مقدسان سیر خواهند شد» و نیز با سرود نیایشی 290 «(از صداها جوی و رودخانه و چشمه‌سار، آن آب زندگانی... که همه خوشبویند و شگفت» و بسنجید با سرود نیایشی پارتی هویذگمان 1.29 «از آب دریاچه‌هاش عطری شگفت برمی‌خیزد» و «سرچشمهٔ روشنی» (HENNING 1950, p. 654) و نیز بسنجید با مزامیر قبطی «آن چشمهٔ زندگانی، آن شبنم شهد بی‌مرگی».

(۲۴) در مزامیر قبطی «سبزدشت سرشار از زندگانی». بسنجید با سرود نیایشی چینی 274 «صومعه‌ها و سراپها همه مجلل‌اند... زایش، مرگ، نابودی و موارد ناجاودانگی... آن جهان روشنی رهاست» و نیز 308 در آنجا، هیچ نیایشکده، هیچ تالار و جایگاه و هیچ حجره‌ای را با دست نساخته‌اند با وجود این محکم‌اند و نیز سرودهای نیایشی 123، 266، 267 و 269 در هویذگمان پارتی 16 (fn. 25)، 160 «همه با نیکبختی انباشته است... همهٔ صومعه‌ها». و نیز در شعر بهلوی «šahrān anāsāg mān mān ud gāh gāh» «شهرها، خانه‌ها و اورنگها بی‌شمار» (HENNING 1950, p. 645).

«و هریک از آنان بی کوچک‌ترین تفاوتی شبیه دیگری است». یا 335.1 «این کشورها ... همه یکسان‌اند»، یا 336.2 «شکل‌های طبیعی همه مساوی‌اند و جایگاه‌ها را هیچ تفاوتی نیست». و نیز در سرود نیایشی چینی 324 «همه کاملاً برابر و کارآمد» 300.2، «خود بازتاب و عیان، از بیرون و درون»، 334 «همه شبیه یکدیگرند» و 324 «یکسان و هماهنگ». اما متن چینی با تعبیر اول *xwymnyy* به معنای «شبیه خود» نیز وجه اشتراکی را نشان می‌دهد.

اینک سرود نیایشی 11-310 را بررسی می‌کنیم:

در آنجا، سایه‌های تاریک طبیعتاً موجود نیستند و هرچه درون و بیرون آن است، به گونه‌ای سنجش‌ناپذیر روشن است. پیکرها و اشکال در آن کمیاب و یگانه‌اند، قدها و قواره‌ها شگفت و بی‌نظیر و در بازتاب ژرف آن خاک گران‌ارج که وراي مرزهاست، آشکار می‌شوند. ظاهراً سرزمین روشنی از نوعی الماس پرداخته شده که «همیشه می‌درخشد و تلالؤ دارد، بازتاب دارد و بیرون و درونش عیان است و هیچ چیز در آن پنهان نیست.» (سرود نیایشی 300) و آن زمین به این لحاظ «یگانه»<sup>۲۵</sup> است.

در پایان در مورد واژه سغدی *mēn* شایسته تذکر است که صفت *myn'ntk* در کتاب تمثیلهای مانوی *The Manichaean Parable-Book* (SUNDERMANN 1985)، متن B سطر ۸۷ به معنای «شبهت داشتن» آمده است که معادل آن در پارسی *m'n'h'g* در پارسی میانه *mānāg* و در فارسی مانند است.

یادداشتهای دیگر دربارهٔ دوازده شهریاری «دومین بزرگی»

دوازده شهریاری که به پارسی *dwādēs šahrān rōšn* یا *dwādēs šahrdārīft* نامیده می‌شوند (فهرست آن به شش زبان در ذیل می‌آید)، ویژگیهای تجریدی خدایانی‌اند که به آنها شخصیت‌های انسانی داده‌اند. در برخی از متنها آنان را پسرانِ پدر بزرگی دانسته‌اند.

از این رو، در متن پارسی M730 (Boyce 1975, ah 1):

*dw'dys wzrg'n wxybyh pwhr'n, h'ws'r dw'dys cyhrg b'myn cy pydr rwšn*

۲۵) نخستین پیشنهاد هینگ می‌تواند با سرود نیایشی چینی 266 همخوانی داشته باشد: «روشنایی، توانمند است در همه چیز». پیشنهاد دوم او «خود. موجود» تصویری عمومی از بهشت است و با توصیف اقلیم روشنایی سازگاری بیشتری دارد.



«آن دوازده بزرگان، پورانس، دوازده همسان چهر، رخشان‌شکل، همچون چهرهٔ پدر روشنایی».  
 مقایسه کنید با الفهرست: «دوازده بزرگ، چهره‌هایشان شبیه اوست». در مزامیر قبطی، این دوازده  
 شهر یاری به مثابهٔ دوازده قدرت توصیف شده‌اند. (مزمور بما 1.3)  
 آنان گل تاجهای ناموری پدر نیز هستند، دوازده شهزادهٔ او، دوازده دیوار استوارش،  
 دوازده پیرو او، دوازده بی‌کرانه‌اش. (مزمور ساراگتون 33-29-136 Sarakoton psalm)  
 این دوازده بی‌کرانگی (Aeons) به مثابهٔ فضایل و خصال نیک آسمانی نیز بر شمرده  
 می‌شوند که، در بعضی از متون، آنها را با دوازده خدای اصلی مرتبط دانسته‌اند. چنین است  
 در متون پارسی میانه cb، cc، و cd (Boyce 1975, pp.135-137; Waldschmidt/Lentz 1933, 596-9, 560-2)

۱. شهر یاری (sahriyārīh) پدر بزرگی (Yazd burzist) (cb).
۲. خرد (wihīh) مادر زندگان (Mādar ī zindagān) (cb).
۳. پیروزی (perōzīh) نخستین مرد (Ohrmizd bay=) (cc).
۴. خشنودی (hunsandīh) پنج گوهران (Mahrāspondān) (cc).
۵. شور و تلاش (\*wizēšīh) دوست روشنان (Rōšnan xwarist)
۶. راستی (rāstīh) معمار بزرگ (Nogšahr āfuryazd)
۷. ایمان (\*wāwarīh) روح زنده (Mihryazd) (cc).
۸. بردباری (burdīh) فرستادهٔ سوم (Narisah yazd) (cc).
۹. پرهیزگاری (ardāyīh) ستون شکوه (Sroš-ahrāy) (cd).
۱۰. مرحمت / سپاس (išnōhrīh) عیسای رخشان (Yišo'ispixtān) (cd).
۱۱. نیکی (xubīh) دوشیزهٔ روشنایی (Kanīg rōšn) (cd, n. 3).
۱۲. روشنی (rōšnīh) روشن-خرد (Wahman rōšn) (cd).

### جدول دوازده بی‌کرانگی (دوازده شهر یاری) به شش زبان

سریانی	اوغوری	چینی	پارسی میانه	سفدی	پارسی	
mlkwī' ملکوت	īlāmāk ārkšimāk شهر یاری	Grand roi خداوند با عزت روشنایی	šahryārī(h)	xšēwanyāk	sahrdārīft	۱
hkmt' حکمت	bilgā bilig خرد	Sagesse خردمند و مهربان	wihīh/zīrī	yarβākyaāk	zīrīft	۲
zkwī' زکاوت	yigādmāk پیروزی	Victoire همیشه پیروز	pērōzīh پیروزی	wanunakyāk پیروزی	buxtagīft	۳
pys' ترغیب؟	sāvinmak خوشحالی	Contentement شادان و خشنود	hunsandīh خرسندی	xusandyāk خرسندی	hunsandīft	۴

nkpw't اشتیاق	tavranmaq شور و تعصب	Zèle, Industrious کوشا	*wzyšty	anduxs	abrang	۵
šrr' حقیقت	könin yarmaq حقیقت	Vérité واقعیت و حقیقت	rāstih راستی	raštyāk راستی	rāštift راستی	۶
hymnw't ایمان	kirtkünmäk ایمان	Foi وفاداری	*wāwarih	warny(ā)	hamvadēndift	۷
ngwrt rwh' شکیبایی	sārinmäk شکیبایی	Endurance فروتنی	burdih	βurtārmikyāk	dragmanift/ burdift	۸
rectitude درستی	čün bīšy'n ärmäk حقیقت	pensée droite راستاندیشی	ardayih	razkaryāk	razwarift	۹
tybw't نیکو	ädgü qilimč qımaq فیاض	action méritoire شایستگی	išnōhrih لطف / قدرانی	širākryak	kirbagift	۱۰
k'nwt' دادگری / صفا	tüz könüllüg یکسان‌نگر	cœur uniforme یگانه / یگانگی	xūbih	āumantyāk	hubasāgift	۱۱
nwhr' روشنایی	yaruqun yašuqun روشنایی ärmäk	فروغ برون و درون	rōšnih	roxšnyāk	rōšn	۱۲

در متن ترکی دیگری، دوازده شهریاری به منزلهٔ فیضانِ خدای نوم‌کوتی (Nom Qutī) (خرد بزرگ) شناخته می‌شوند و به دوازده دوشیزهٔ آسمانی شباهت دارند، که عبارت‌اند از: (۱) نیرو و قدرت فائقه (شهریارها)، (۲) خرد، (۳) پیروزی، (۴) شادمانی، (۵) شور و شوق، (۶) داوری درست، (۷) ایمان، (۸) بردباری، (۹) راستی و درستکاری، (۱۰) نیکوکاری، (۱۱) تعادل قلبی، (۱۲) روشنی و درخشانی (Waldschmidt & Lenz 1933, pp. 533-536, 548, 553; Klimkeit 1993, 322-323).

در متنهای چینی دو روایت دیده می‌شود: یکی در مجموعهٔ سرود نیایشی که ترجمهٔ انگلیسی دارد و در آن نخستین شهریاری با عنوان خداوندگار باعزت روشنایی آمده است و شهریاریهای دیگر همه به صورت صفت ذکر شده‌اند. (Chavannes-Pelliot 1911, pp. 567-569)؛ (Tsui-Chi 1943, pp. 165-171)

یادداشتهای دیگر در مورد بی‌کرانگان (سومین بزرگی)

سومین بزرگی در نسخهٔ سغدی āfrītēt ōtākt «ستوده جایگاهان»، و در پارسی Šāhr Šāhrān و در قبطی همهٔ بی‌کرانگان (Psalm 9.14) نامیده می‌شود. 'tyšn s'k 'ty ptšm'r nyystt (1.3 و 4 از متن سغدی)، «و برایشان شماری نیست»:

اگرستین نیز در *Contra Epistulam Fundamenti* به این بی‌کرانگی اشاره می‌کند. در سرود نیایشی چینی 169-260 این‌گونه توصیف می‌شوند: «چنان چون دانه‌های شن و ذرات خاک‌اند آن کشوران، ظریف، شگفت، پراچ، شکوهمند و پر جلال» در مزامیر قبطی: «بی‌کرانگیهای برون از اندازه... که کاستی و رنگ باختن در آنها راه نیست»، و در پارسی *Šahrān rōšnān* «شهرهای روشنایی که تنها با جلال و بزرگی تو سنجیده می‌شوند» (Boyce 1975, ag 3). در سرود نیایشی چینی 277 «روشنایی درخشد بر آنها و پیکرشان شکوهمند و شفاف شود، سنجش‌پذیر با روشنی صدها و هزاران خورشید و ماه». این تشبیهات در قبطی هم معادل‌هایی دارد: «بی‌کرانگیهای روشن، بی‌کرانگی آرامش». (Thomas Psalm 203, 10-17)

### یادداشتهایی دیگر در مورد سرزمین روشنی از منابع ایرانی

ترکیب *rwšnz'y* در سغدی، برابر است با *zmyg rwšn* در پارسی. در متن پارسی M533 آمده است:

«پنج اندیشهٔ ناب، که درونش عطرآگین است با بادهای خوش، و می‌درخشد هر گوشه‌اش، قدرتها، الوهیتها، خدایان، گوهران و بی‌کرانه‌ها، درختان، چشمه‌ساران و گیاهان، در او روزبه روز، بالند.» (Boyce 1952, pp. 443-444; Idem 1975, text al 2-3; also ASMUSSEN 1975, p. 118)

«در بلندای مناعت و بی‌کران، آنجا که تاریکی هیچ‌گاه نیاید... دیرها همه شکوهمندند و زیستگاهان... چه آنها شادمان‌اند در روشنایی و هیچ رنج نشانند.» (Boyce 1954, 1.4-6)

توجه کنید که در متنهای ایرانی معمولاً کلمهٔ زمین برای سرزمین روشنایی و بهشت برای اقلیم روشنایی به کار می‌رود.

### سرزمین روشنایی در سرودهای نیایشی چینی

123: «هیچ بلند! و بُعدی، حد و اندازه نیاورد... که همه چیز روشن است و هیچ جایگاه تاریک نیست».  
266: «روشنایی، توانمند است در همه چیز، و هر چیز پاک است و ناب، تا به جاوید شادان و آرام بی‌تشویش و پریشانی».

267: «تالارها و انبوه قدیسان همه شکوهمند و پاکیزه‌اند و نیز دیرهای همه بودایان. آنان در سرزمین روشنایی، جاودانه پذیرای شادمانی‌اند».

295: «آن سرزمینِ گران ارج الماس را کرانی نیست».

375: «و خاکِ گران‌ارج الماس نیز درست همان‌گونه است».

323: «آن گرانارج سرزمین روشنایی، بی‌انتهاست، و اندیشهٔ یافتن کرانه و مرز آن، بیهوده است».

### سرزمین روشنایی در مزامیر قبطی

«کاشانهٔ پدر، آن چشم و چراغ همهٔ بی‌کرانگان، آن شهر خدایان، آن اورنگِ خداوند، آن شکوهمند شهر، آن شهر مقدس، آن قلعهٔ فرشتگان، آن زیستگاه بهشتیان، آن آرامشگاه آسمانیان، کوهستانهای مقدس با ریشه‌های نیک‌بو، درختان پُرشکوفه، گلهای پژمرده‌ناشدنی، چشمه‌های انوشگی و بی‌مرگی، دشتهای سرسبز پر از زندگی».

### سرزمین روشنایی در متن عربی الفهرست

زمین روشنایی فروزان است، پر از شادی است، پرتوافشان، پرتلالو، باز می‌تاباند پاکی‌اش را، سپیدی‌اش را، صافی‌اش را، زیبایی‌اش را، نیکویی‌اش را».

«دروازه‌هایش، برجهای دیده‌بانی‌اش، سراهایش، باغ‌هایش، شاخه‌هایش، میوه‌هایش، همه در فروغ و رنگ‌هایی شکوهمند تلالو دارند که زیبایی‌ها برای نگریستن».

«زمین روشنایی را پنج اندام است: اثیر، باد، روشنایی، آب و آتش».

واضح است که این نسخه ادعا دارد که پنج گوهران (Amahrāspandān) پنج اندام سرزمین روشنایی‌اند. این مدرک، واقعیتی را مسجّل می‌کند که عناصر (پنج گوهران) بخش‌هایی از پنج بزرگی، و از این رو، نازاده و ناآفریده‌اند. و این چیزی است که نسخهٔ سغدی ادعایش را دارد (1.6) که marḏāspand ها با خدایان، فرشتگان، و دیگر صاحبان قدرت در ستوده جایگاه‌ها می‌زیند.

### منابع

- ALLBERRY, C.R.C. (1938), *A Manichaean Psalm-Book*, Part II, Stuttgart;  
ANDREAS, F.C. & W.B. HENNING (1932), "Mitteliranische Manichaica aus Chinesisch-Turkestan", I-III, *SPAW* 1932, 173-222; *SPAW* 1933, 292-363; *SPAW* 1934, 848-912;  
ASMUSSEN, J.P. (1965), "X<sup>a</sup>ästwānīft", *Studies in Manichaeism*, Copenhagen;  
— (1975), *Manichaean Literature* (Persian Heritage Series 22), New York;  
BOYCE, M. (1952), "Some Parthian abecedarian hymn", *BSOAS* 14, 435-450;  
— (1954), *The Manichaean Hymn-Cycles in Parthian*, (London Oriental Series), London;  
— (1975), *A Reader in Manichaean Middle Persian and Parthian*, (*Acta Iranica* 9), Leiden;  
CHAVANNES, É. & P. Pelliot (1911), "Un traité manichéen retrouvé en Chine II", *JA*, 499-617;  
— (1913), "Un traité manichéen retrouvé en Chine I", *JA*, 99-394;  
GERSHEVITCH, I. (1954), *A Grammar of Manichaean Sogdian*, Oxford;

- GHARIB, B. (1995), *Sogdian Dictionary (Sogdian-Persian-English)*, Tehran;
- HENNING, W.B. (1948), "A Sogdian Fragment of the Manichaean Cosmogony", *BSOAS* 12, 306-318;
- (1950), "A Pahlavi Poem", *BSOAS* 13, 618-641;
- JACKSON, A.V.W. (1932), *Researches in Manichaeism*, (Columbia University Indo-Iranian series 13), New York;
- Klimkeir, H.J. (1993), *Gnosis on the Silk Road*, New York;
- MACKENZIE, D.N. (1979/1980), "Mani's Šābuhragān", *BSOAS* 42, 1979, 500-534; 43, 1980, 288-310;
- (1985), "Two Sogdian HWYDGM'N fragments", (*Acta Iranica* 24), Leiden, 421-428;
- Müller (1904), "Handschriften-Reste in Estrangelo-Schrift aus Turfan, Chinesisch-Turkistan", *SPAW*, 348-352;
- Polotsky, H.J. & A. Böhlig (1940), *Kephalaia*, Stuttgart;
- PUECH, H.C. (1949), *Le Manichéisme, son fondateur, sa doctrine*, Paris;
- SIMS-Williams, N. (1983), "Indian elements in Parthian and Sogdian", *Sprachen des Buddhismus in Zentralasien*, Wiesbaden, 132-142;
- (1985), "The Manichaean Commendments", (*Acta Iranica* 24), Leiden, 575-582;
- (1989), "A new fragment from the Parthian hymn-cycle Huyadagnān", *Études Irano-Aryennes offertes à Gilbert Lazard*, Paris, 321-331;
- SUNDERMANN, W. (1979), "Namen von Göttern, Dämonen und Menschen in iranischen Versionen des manichäischen Mythos", *AOF* 6, 95-133;
- (1981), *Mitteliranische manichäische Texte kirchengeschichtlichen Inhalts*, (BT XI), Berlin;
- (1990), "The Manichaean Hymn-cycles Huyadagnān and Angad Rōšnān in Parthian and Sogdian", (*Corpus Inscriptionum Iranicarum*, Suppl. Series II), London;
- (1992), *Der Sermon vom Licht-Nous*, (BT XVII), Berlin;
- IARDIEU, M. (1988), *Études Manichéennes*, Téhéran / Paris;
- Isui Chi (1943), "Mo Ni Chiao Hsia Pu Tsan. The Lower Section of the Manichaean Hymns", *BSOAS* 11, 174-219;
- TONGERLOO, A. Van (1994), "The Father of Greatness", *Gnosis forschung und Religionsgeschichte, Festschrift für Kurt Rudolph zum 65. Geburtstag*, Marburg;
- Waldschmidt, E. & W. Lenz (1993), "Manichäische Dogmatik aus chinesischen und iranischen Texten", *SPAW*, 480-607.

